



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2025.90400.1315>

پژوهشی

بررسی جغرافیای سیاسی عربستان سعودی با تاکید بر شکاف‌های داخلی

محمدرضا جوفار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

jofar@ut.ac.ir

علیرضا محرابی (گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

a_mehrabi@sbu.ac.ir

حمیدرضا محمدی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران)

h_mohammadi@sbu.ac.ir

چکیده

در کشورهای تازه تاسیس و برخاسته از نظام قبیله‌ای-مذهبی شکاف‌هایی وجود دارد تا مردم آن خود را یک ملت واحد بدانند، از طرفی وجود جامعه نیمه‌سنتی و نیمه‌مدرن باعث ایجاد شکاف‌هایی در زندگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شهروندان می‌شود و چالش‌ها و نارضایتی‌هایی را به همراه دارد. عربستان سعودی این ویژگی‌ها را دارا است. تاسیس آن به سال ۱۹۳۲ بر می‌گردد و این سابقه کوتاه، تنوع قومی، نژادی، مذهبی، ایدئولوژی و امثال آن موجب پیدایش چالش‌هایی در این کشور شده است. این چالش‌ها برخاسته از شکاف‌های جغرافیای سیاسی است. عربستان سعودی علاوه بر هم‌مرزی دریایی با ایران، از نظر ایدئولوژیک و تأثیرگذاری در جهان اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. وجود دو شهر مقدس مکه و مدینه، حضور زائران ایرانی، و رقابت با جمهوری اسلامی ایران برای رهبری جهان اسلام، جایگاه خاصی به این کشور می‌بخشد و بررسی شکاف‌های عربستان، علاوه بر شناخت از آن، موجب تصمیم‌گیری صحیح در سیاست خارجی ایران و همچنین پژوهش‌های آتی می‌شود. به همین علت، این پژوهش با هدف بررسی شکاف‌های جغرافیای سیاسی عربستان سعودی، به بررسی جریان‌های داخلی و جغرافیای سیاسی این کشور پرداخته است. پژوهش حاضر کاربردی و روش آن کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها اسنادی-کتابخانه‌ای است. پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که «شکاف‌های جغرافیای سیاسی عربستان سعودی چیست؟». در نهایت این پژوهش، عربستان سعودی را دارای شکاف‌های مذهبی، قومی-قبیله‌ای، اقتصادی و سیاسی می‌داند. به نظر می‌رسد در صورت عدم مدیریت صحیح این شکاف‌ها، دولت با تنش‌های داخلی میان شیعیان

و اهل تسنن، نخبگان، قبایل، سنت‌گرایان و اصلاح‌طلبان و همچنین جوانان مواجه خواهد شد. این شکاف‌ها ظرفیت آن را دارند که بقاء آل سعود را تهدید نمایند.

واژگان کلیدی: جغرافیای سیاسی، عربستان سعودی، شکاف داخلی، جامعه، چالش.

مقدمه

شکاف‌های جغرافیای سیاسی به تفاوت‌ها و تضادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اشاره دارد که بر اساس موقعیت‌های جغرافیایی خاص ایجاد می‌شوند و منجر به تفکیک، تقسیم‌بندی یا تعارض میان مناطق یا گروه‌های مختلف در سطح محلی و ملی می‌شوند. این شکاف‌ها ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌ها است. به نظر می‌رسد عربستان سعودی به دلیل تفاوت‌های سیاسی، طبقاتی، اجتماعی و فرهنگی دارای شکاف‌هایی است که این شکاف‌ها همچنان حل و فصل نشده و نیاز به شناخت دارد.

عربستان سعودی به‌عنوان یک پادشاهی، پیشینه‌ای کمتر از یک قرن دارد. این کشور پس از فروپاشی دولت عثمانی بر اساس تعلقات خاندانی و داعیه‌های مذهبی هویت یافت، خاندان‌های قدرتمند رقیب کنار زده شدند و امروز تحت نظام پادشاهی آل سعود اداره می‌گردد. ساختار نئوپاتریمونیا^۱ پادشاهی سعودی را می‌توان به لحاظ سیاسی، مبتنی بر خاندان و قبیله و تمرکز قدرت در سران، از منظر اقتصادی، از نوع دولت رانتیر بر پایه درآمد نفت و به لحاظ فرهنگی متکی بر وهابیت تعریف نمود. نظام اجتماعی عربستان نیز بر پایه دو مؤلفه «نظام قبیله‌گی» و «دین» استوار بوده است.

پس از انقلاب اسلامی ایران، روابط عربستان سعودی و ایران نوسانات زیادی داشته و طیفی از رابطه تعاملی، تقابلی و رقابتی بوده است. عربستان سعودی علاوه بر آنکه همسایه آبی کشور ایران به حساب می‌آید، به لحاظ تفکرات ایدئولوژیکی، اثرگذاری در جهان اسلام، وجود دو شهر مکه و مدینه و حضور زائران ایرانی در این دو شهر و رقابت با جمهوری اسلامی ایران برای رهبری جهان اسلام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شناخت شکاف‌های داخلی عربستان به تحلیل بهتر این رقابت و درک بهتر نقش این کشور در تحولات منطقه‌ای کمک می‌کند. بررسی جغرافیای سیاسی این کشور علاوه آشنایی با آن، موجب شناخت اختلافات و چالش‌های عربستان سعودی می‌شود و به شناخت عوامل ایجاد تنش کمک می‌کند. درک شکاف‌های داخلی این کشور به تحلیلگران کمک می‌کند تا پیش‌بینی‌های دقیق‌تری درباره سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی داشته باشند.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که «شکاف‌های جغرافیای سیاسی عربستان سعودی چیست». به این دلیل که سوال مورد نظر اکتشافی است، برای آن فرضیه طراحی نشده است. هدف پژوهش شناخت شکاف‌های موجود در عربستان سعودی از دیدگاه جغرافیای سیاسی است. جنبه نوآوری مقاله تجمیع

شکاف‌های عربستان سعودی با نظر به جغرافیای سیاسی آن به قسمی است که با مرور مطالعات قبلی و تامل مجدد در تحقیقات و نظریه پردازی‌های صورت گرفته پیشین و ترکیب آن‌ها، کوششی در جهت افق‌گشایی برای مطالعات جدیدتر و تولید دانش کاربردی‌تر را رقم بزند. بر خلاف پژوهش‌های پیشین که اغلب بر یک بعد از شکاف‌های قومی، مذهبی یا سیاسی تمرکز کدارند، این شکاف‌ها به صورت ترکیبی و با نگاهی جامع به جغرافیای سیاسی عربستان بررسی شده است. چنین رویکردی، ضمن ایجاد هم‌افزایی میان موضوعات مختلف، به درک بهتر تعامل و تاثیرگذاری متقابل این شکاف‌ها کمک می‌کند. همچنین با مرور انتقادی منابع و تحقیقات قبلی و تطبیق آن‌ها با داده‌های جدیدتر، نگاهی تازه به موضوع ارائه کرده است. این رویکرد هم به بازشناسی محدودیت‌ها و کمبود پژوهش‌های پیشین کمک کرده و هم امکان تولید دانش کاربردی‌تر را فراهم آورده است. در پژوهش حاضر، جریان‌های داخلی عربستان سعودی شامل شیعیان و اهل تسنن، نخبگان سیاسی، قبایل، جوانان، همچنین سنت‌گرایان و اصلاح‌طلبان به‌طور دقیق و با توجه به نقش آن‌ها در جغرافیای سیاسی کشور بررسی شده‌اند. این سطح از جزئیات در مطالعات پیشین کمتر دیده شده است. یکی دیگر از تفاوت‌های این پژوهش، بررسی پویایی و روند تاریخی شکاف‌ها در عربستان سعودی و تاثیر تغییرات اخیر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر عمق و گستره این شکاف‌ها است. جنبه دیگر نوآورانه این پژوهش نیز ساختار و ترتیب چیش مطالب و یافته‌های آن است که تاکنون به سان پژوهش حاضر سازمان نیافته است.

چارچوب مفهومی

شکاف اجتماعی

مفهوم شکاف، به طور بالقوه به مرزهای تقسیم‌کننده یک جامعه اشاره دارد که بر اساس مولفه‌هایی مانند تفاوت نژادی، زبانی، مذهبی، مدرن و سنتی، طبقه و موقعیت یا نقش‌های اجتماعی ظاهر می‌شوند. این شکاف‌ها می‌توانند به اشکال گوناگون نمود یابند (Flanagan, 1982: 64). شکاف‌های اجتماعی به‌عنوان خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شان و منزلت، اقتدار اجتماعی و موارد مشابه تعریف می‌شوند (Bashiriyeh: 2022:99). این خطوط تمایز و تعارض ممکن است گروه‌ها را به دلایل و اشکال مختلف در برابر یکدیگر قرار دهند (Parchami & Derakhshan, 2021:10).

در بررسی مفهوم شکاف‌های اجتماعی، توجه به تنوع جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی ضروری است. برحسب چنین تنوع و دگرگونی‌هایی، بعضی از دانشمندان، شکاف‌های اجتماعی را از نظر تاثیرگذاری بر زندگی سیاسی، دارای مراحل فعال، نیمه‌فعال و غیرفعال می‌دانند (Bashiriyeh: 2022:99). در نهایت، می‌توان گفت

که شکاف اجتماعی به گروه‌بندی متشکل و هویت‌بخشی اشاره دارد که اعضای یک جامعه را به علت تفاوت در ارزش‌ها و دسترسی به منابع، برای رویارویی آماده می‌کند. تا زمانی که این هویت گروهی ناشی از تفاوت در ارزش‌ها و منابع، به تفکیک منجر نشده و رقابت بین گروه‌ها ایجاد نکند، شکاف اجتماعی محسوب نمی‌شود. اما زمانی که این تفاوت‌ها به رویارویی منجر شوند، شکاف اجتماعی به تضاد اجتماعی تبدیل می‌شود. شکاف اجتماعی بیانگر وجود ماهیت‌های متعارض بر سر منابع و ارزش‌ها در یک جامعه است که آماده تقابل با یکدیگر باشند (Parchami & Derakhshan, 2021:10).

شکاف‌های ساختاری-اجتماعی، نشان‌دهنده تعارض میان منافع اقتصادی و اجتماعی گروه‌های گوناگون است که به واسطه برخی خصلت‌های ثابت و پایدار در اجتماع به وجود می‌آیند و تثبیت می‌شوند. ماهیت آن‌ها به جامعه وابسته است (Bogdanor, 1997: 400). برخی از این شکاف‌ها عبارتند از: شکاف طبقاتی، مذهبی و جنسیتی، نژادی و نسلی و قومی، شهری و روستایی (Brooks & Others, 2006: 88, Norris & Lovenduski 1995:20). شکاف سیاسی اشاره به تفاوت، تفکیک و گروه‌بندی‌های رقابت‌جویانه برای کسب و مصرف قدرت یا سرمایه سیاسی است که موجب آمادگی گروه‌ها می‌شود. شکاف فرهنگی، تفکیک تقابل‌جویانه در نظام باورها، اعتقادات، هنجارها و ارزش‌ها بین گروه‌های اجتماعی مختلف است. این شکاف در پی تغییر جوامع از سنتی به مدرن در ابعاد مختلف به وجود می‌آید. شکاف قومی، از جمله شکاف‌های هویتی است که بر اثر تفاوت نژادی، زبانی و فرهنگی اقوام مختلف شکل می‌گیرد. این شکاف با به وجود آمدن دولت-ملت‌ها و غلبه حاکمیت قومی خاص پررنگ می‌شود. شکاف دینی و مذهبی، به معانی تماز و گروه‌بندی میان پیروان ادیان و مذاهب یک جامعه است. شکاف نسلی، فاصله تدریجی در احساس، تفکر، ارزش‌ها و رفتار بین نسل‌های متوالی است که وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند. شکاف جنسیتی، حاکی از فاصله در شیوه‌های رفتاری زنان و مردان است (Parchami & Derakhshan, 2021: 12).

شکاف‌های اجتماعی معمولاً با نظریه‌های تضاد، از جمله رویکردهای مارکسی و وبری، تعریف می‌شوند. مارکس با نظریه ماتریالیسم تاریخی و تحلیل طبقاتی مبتنی بر آن، شکاف اجتماعی را بر اساس شکاف طبقاتی تحلیل می‌کند (Manaz & Brooks, 1999: 31). در این نظریه، منافع مادی گروه‌ها که ریشه در شیوه تولید دارند، در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. این منافع متعارض، دو طبقه اصلی سرمایه‌داری یعنی طبقه مالک ابزار تولید و طبقه کارگر را شکل می‌دهند (Van Den Berg & Janoski, 2005: 72). به باور مارکس، سرمایه‌داری همزمان با ایجاد طبقه‌ای از سرمایه‌داران ثروتمند، فقر و محرومیتی شدید برای توده‌ها، به‌ویژه کارگران، به وجود می‌آورد. در نهایت، این شرایط موجب طغیان کارگران می‌شود و آنان برای ادامه حیات و حفظ شأن انسانی خود به عاملانی سیاسی تبدیل می‌شوند (Seidman, 2004: 28-36).

وبر، علاوه بر شکاف‌های طبقاتی که مارکس به آن پرداخته، به شکاف‌های منزلتی نیز توجه می‌کند (Manaz & Brooks, 1999: 31). او با نظر مارکس درباره نظم اقتصادی که صرفاً با نبرد طبقاتی صاحبان ابزار تولید تعیین می‌شود، موافق نبود و عواملی چون برخورداری از مالکیت، منزلت و حیثیت را نیز از عوامل تعیین‌کننده روابط قدرت و بنیان نظام قشربندی و طبقه اجتماعی می‌دانست (Weber, 1968: 252). در دیدگاه‌های جدیدتر، علاوه بر تضاد اجتماعی با منشأ اقتصادی و طبقاتی، به عواملی مانند قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، تحصیلات، شغل، زبان و مانند آن نیز توجه شده است. این عوامل باعث شکل‌گیری گروه‌هایی با سبک‌های متفاوت زندگی می‌شوند که در مقابل یکدیگر قرار گرفته و با هم رقابت می‌کنند. نمود این رقابت‌ها در رفتارهای سیاسی آشکار می‌شود (Van Den Berg & Janoski, 2005: 73). نظریه‌هایی مانند نوسازی اجتماعی که تغییرات و جریان‌های سکولار را عامل دگرگونی در رفتارهای سیاسی دوران معاصر می‌دانند، در این دسته از دیدگاه‌ها جای می‌گیرند.

بر اساس این نظریه‌ها، شکاف‌ها در جوامع سنی عموماً حول موضوعاتی چون خویشاوندی، قبیله‌ای، مذهبی و زبانی شکل می‌گیرند. در جوامع نیمه‌سنتی-نیمه‌مدرن یا در حال گذار، شکاف‌های اجتماعی پیچیده‌تری پدیدار می‌شوند که به مولفه‌های سنتی و مدرن مرتبط‌اند. از یک سو، شکاف‌های قومی، فرهنگی و زبانی مربوط به جامعه سنتی همچنان فعال‌اند و از سوی دیگر، شکاف‌های جامعه مدرن، مانند طبقات و شکاف نسل‌ها، نمودار می‌شوند. در جوامع پیشرفته، افزایش سطح آموزش و در نتیجه سواد و شناخت، همراه با ظهور رسانه‌ها، فرصت بیشتری برای فراگیری و انتخاب اطلاعات فراهم کرده‌اند. این منابع در کنش‌های سیاسی، نظیر انتخابات، این امکان را به افراد می‌دهند که گروه‌های مختلف سیاسی و احزاب را بر اساس تناسب با ارزش‌های خود انتخاب کنند (Bell, 2002).

شکاف‌های جغرافیای سیاسی

در جوامع مختلف، به واسطه تقسیم کار اجتماعی، عوامل مرتبط با تبار، جنسیت و موارد مشابه باعث ایجاد چندین شکاف می‌شوند. با این حال، این شکاف‌ها ممکن است بسته به عوامل مختلف در یک زمان خاص فعال یا غیرفعال باشند. این شکاف‌ها از بین نمی‌روند؛ بلکه بین حالت فعال و غیرفعال جابه‌جا می‌شوند. در جامعه‌شناسی سیاسی، پویایی جامعه و دولت به طور قابل توجهی به فعال شدن یا غیرفعال شدن این شکاف‌ها در طول زمان وابسته است. بنابراین، شناخت فعالیت یا عدم فعالیت شکاف‌ها به پیش‌بینی پویایی و تحول نظام‌های سیاسی کمک می‌کند. از نظر اهمیت تکوینی، برخی از شکاف‌ها ساختاری و برخی دیگر تاریخی یا تصادفی هستند. شکاف‌های ساختاری آن‌هایی هستند که بر اساس ویژگی‌های ثابت و پایدار

جوامع انسانی به وجود آمده‌اند و همواره وجود دارند. به عنوان مثال، تداوم تقسیم کار اجتماعی همیشه نوعی شکاف طبقاتی را ایجاد می‌کند، هرچند ممکن است این شکاف به دلایلی فعال نباشد. شکاف‌های طبقاتی فقط ناشی از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید نیستند؛ مالکیت دولتی بر وسایل تولید نیز می‌تواند نوعی از شکاف طبقاتی ایجاد کند. این موضوع به وضوح در جامعه عربستان دیده می‌شود، جایی که اکثر وسایل تولید و بخش خصوصی در اختیار دولت است، زیرا در نهایت کنترل وسایل تولید در دست

بخش‌هایی از جامعه قرار می‌گیرد. (Riyahi Raviz, 2013: 177 & Bashiriyeh, 2022: 100)

تنوع قومیت‌ها، زبان‌ها، نژادها، ادیان و مذاهب در هر کشور، به عنوان یکی از عوامل بالقوه می‌تواند زمینه‌ساز فعال شدن شکاف‌ها باشد (Akbari et al., 2022: 187). این وضعیت منجر به فاصله گرفتن افراد از اهداف مشترک و حرکت به سمت اهداف فردی و خاص می‌شود. این فرآیند که واگرایی را به همراه دارد، در تعامل با بازیگران سیاسی و دولت‌ها، با درک اهداف و منافع مشترک یا برعکس، منافع متضاد آغاز می‌شود و سپس مراحل بعدی آن ادامه می‌یابد. این فرآیند از نظر تجلی فضایی می‌تواند در سطوح محلی، منطقه‌ای یا جهانی رخ دهد. مرحله نهایی شکاف‌های سرزمینی و فضایی ممکن است به تجزیه منجر شود، که پیامدهایی مانند تنش، جنگ و توسعه نیافتگی به همراه دارد. عوامل و زمینه‌های ایجاد شکاف‌ها شامل گسیختگی فضایی و جغرافیایی، تضادهای فرهنگی-دینی و ایدئولوژیک، تعارض منافع ملی و جمعی، بروز اختلافات درونی ساختاری، نگرش رقابت‌آمیز میان رقبای، محو شدن اهداف یا تهدیدات مشترک، وجود ائتلاف‌های رقیب یا مداخله، تحولات درون ساختی اعضا در زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیک، رقابت اقتصادی و موارد مشابه است (Hafeznia, 2020: 502).

در جوامع سنتی، همبستگی فرهنگی و تبعیت فرزندان از والدین معمولاً مانع بروز شکاف در نگرش نسل‌ها می‌شود. اما در جوامعی که دچار تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیعی شده‌اند، این شکاف میان نسل‌ها محسوس‌تر است. همچنین، با توجه به ارتباط میان محافظه‌کاری و رادیکالیسم سیاسی از یک سو و تفاوت‌های سنی از سوی دیگر، معمولاً در جوامعی با میانگین سنی بالاتر و جمعیت مسن‌تر، تمایل به محافظه‌کاری سیاسی بیشتر دیده می‌شود. در مقابل، در جوامعی با جمعیت جوان‌تر، رادیکالیسم سیاسی شرایط مساعدتری برای رشد خواهد داشت.

برخی از شکاف‌های جغرافیای انسانی به دلیل وقایع و سرنوشت تاریخی یک کشور شکل گرفته‌اند و به همین دلیل الزاماً ریشه در ساختارهای پایدار ندارند. تحولات و رویدادهای تاریخی در شکل‌گیری این شکاف‌ها نقش مهمی دارند و به همین دلیل می‌توان تنوع زیادی در نحوه بروز آن‌ها در جوامع مختلف مشاهده کرد. از جمله این شکاف‌های تاریخی می‌توان به شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف میان دین و

دولت، شکاف‌های قومی، زبانی، نژادی و موارد مشابه اشاره کرد. در خصوص مذهب، باید توجه داشت که تغییرات در مذاهب اغلب به طور ناگزیر به تقسیمات و پراکندگی‌های مذهبی منجر می‌شود. برای مثال، جنبش اصلاح دینی در تاریخ اروپا باعث تجزیه مسیحیت و ظهور فرقه پروتستان در مقابل کلیسای کاتولیک شد و در نتیجه، تعلقات مذهبی و فرقه‌ای به عنوان عاملی مهم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش یافتند (Khedir, 2021: 145-161).

از منظر توسعه تاریخی و مراحل تحول اقتصادی، شمار و نوع شکاف‌های جغرافیای انسانی در کشورهای مختلف تفاوت دارند. فرایند نوسازی جهانی شامل گذار از مراحل مختلفی مانند انقلاب کشاورزی، انقلاب صنعتی و انقلاب فراصنعتی است. در این چارچوب، می‌توان جوامع را به سه دسته تقسیم کرد: جوامع سنتی، جوامع نیمه سنتی-نیمه مدرن که بین انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی قرار دارند، و جوامع مدرن که از مرحله انقلاب صنعتی عبور کرده و به سمت دوره فراصنعتی پیش می‌روند. در هر یک از این مراحل توسعه اقتصادی، شکاف‌های اجتماعی خاصی ظهور می‌کنند یا دستخوش تغییرات می‌شوند. در جوامع سنتی، شکاف‌های خاصی مانند شکاف میان قبایل و خانواده‌های بزرگ در زندگی اجتماعی و سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. علاوه بر این، شکاف‌های مذهبی، فرقه‌ای و زبانی نیز در این جوامع همچنان اثرگذار و مهم باقی می‌مانند و درک سیاست و حکومت در چنین جوامعی بدون شناخت این شکاف‌ها و تأثیرات آن‌ها ممکن نیست. در جوامع نیمه سنتی-نیمه مدرن یا در حال گذار، شکاف‌های اجتماعی پیچیده‌تری به وجود می‌آیند و تعداد آن‌ها افزایش می‌یابد. این پیچیدگی ناشی از قرار گرفتن این جوامع در مرحله میانی میان سنت و مدرنیته و تجربه تأثیرات هم‌زمان از هر دو جهان سنتی و مدرن است (Anderson, 2020: 147).

در جوامع نیمه سنتی-نیمه مدرن، شکاف‌های متعددی به طور هم‌زمان فعال هستند. از یک سو، شکاف‌های مرتبط با جغرافیای انسانی مانند قبیله‌ای، قومی، فرهنگی و زبانی که در جوامع سنتی دیده می‌شود، تا حدی همچنان فعال باقی مانده‌اند. از سوی دیگر، شکاف‌های مختص جوامع مدرن، مانند شکاف طبقاتی و شکاف نسل‌ها، نیز به تدریج بروز می‌کنند. علاوه بر این، جوامع در حال گذار با یک شکاف عمیق‌تر و اساسی‌تر نیز روبرو هستند که نتیجه دوگانگی بنیادین این جوامع است. این دوگانگی اغلب تحت مفاهیمی مانند «اقتصاد دوگانه»، «دوگانگی فرهنگی» و شکاف بین تجدد و سنت‌گرایی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این ساختار، طبقات اجتماعی قدیمی مانند اشرافیت، روحانیت، خرده‌بورژوازی و دهقانان در تقابل با طبقات اجتماعی جدید نظیر بورژوازی نوظهور، روشنفکران و طبقات کارگری قرار می‌گیرند. زندگی سیاسی در چنین جوامعی تحت تأثیر شدید منازعات بین دو بخش سنتی و مدرن جامعه است. دولت، هرچند ممکن است نماینده یکی از این بخش‌ها باشد، ناچار است به شکل نوسانی و متغیر روابط خود را با هر دو بخش جامعه

تنظیم کند. در این میان، شکاف گسترده بین دو نیمه جامعه، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی، تأثیر بیشتری بر سیاست‌های کلان دارد تا شکاف‌های درونی هر یک از این دو بخش (Haddad, 2020). در هر کشوری، عدم تعادل‌های فضایی می‌تواند منجر به تشدید نابرابری و بی‌عدالتی جغرافیایی بین واحدهای سیاسی مختلف در زمینه‌های مختلف شود. در این شرایط نابرابر، عوامل دیگری نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند و اگر این نابرابری‌ها تشدید شوند، جامعه با تنش مواجه می‌شود و میان حاکمیت و مردم بی‌اعتمادی و در نهایت تعارض شکل می‌گیرد. این وضعیت، در چارچوب استراتژی ملی، همبستگی، یکپارچگی و قدرت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشور را با تهدیداتی نظیر اعتراضات شهروندی، تجزیه و هرج و مرج روبرو می‌سازد. از منظر جغرافیای سیاسی، در تقابل میان حکومت و مردم، این شهروندان هستند که باقی می‌مانند. در این زمینه، سرزمین به عنوان زیستگاه و مردم و ملتی که در آن زندگی می‌کنند، از اهمیت بالایی برخوردارند و نقش زیربنایی دارند. در حالی که حکومت به عنوان نهادی روبنایی در این ساختار عمل می‌کند (Hafeznia, 2020: 283). با توجه به چارچوب مفهومی پژوهش مد نظر، مهمترین شکاف‌های جغرافیای سیاسی یک کشور در شکل زیر بررسی شده است. همان گونه که مشخص گردیده، شکاف‌ها بر یکدیگر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اثرگذار و اثرپذیر هستند.



شکل ۱. مهمترین شکاف‌های جغرافیای سیاسی کشورها (Authors, 2024).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی، از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است. روش گردآوری منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد، کتب، مقالات علمی پژوهشی و منابع اینترنتی انجام شده است. ابتدا به ساکن، با توجه به چارچوب مفهومی پژوهش، مولفه‌های شکاف‌های جغرافیای سیاسی استحصال شدند. در ادامه هر یک از مولفه‌ها تقسیم بندی گردیدند. پس از آن، نگارندگان با مطالعه منابع، فیش‌برداری کردند و به جمع‌آوری داده‌های مرتبط با شکاف‌های جغرافیای سیاسی در عربستان سعودی با توجه به چارچوب

مفهومی بدست آمده، پرداختند. در انتها، مولفه‌ها در عربستان سعودی بررسی و توصیف و با استفاده از استراتژی استقرائی، داده‌ها تحلیل گردیدند.

قلمرو تحقیق

عربستان سعودی، به لحاظ وسعت بزرگ‌ترین کشور جنوب غرب آسیا است و با کشورهای عراق، اردن، کویت، بحرین، قطر، امارات، عمان و یمن همسایه است. همچنین با ایران از طریق خلیج فارس و دیگر کشورهای ساحلی دریای سرخ همسایه است (Factbook, 2023). این کشور ۳۵.۴۹ میلیون نفر جمعیت دارد و به دلیل صحرای خشک و مناطق بیابانی تراکم و وجود فواصل جغرافیایی میان جوامع مختلف در این کشور، تراکم جمعیت بسیار پایین است (Statista, Saudi Arabia: Total population from 2018 to 2028, 2023). تا قبل از گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقلی و ارتباطی هر یک از اقوام و قبایل در بخشی از کشور ساکن بودند و روابط اندکی با حکومت مرکزی داشتند و یکی از دلایل اینکه دولت‌های مرکزی در طول تاریخ شبه جزیره عربستان توفیقی نداشتند عدم نظارت و کنترل بر قبایل و عشایر بوده است. میانگین سنی در عربستان سعودی ۲۹ سال است و اکثر جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند. (Statista, Saudi Arabia - Statistics & Facts, 2024). ۱۳.۴ میلیون نفر از جمعیت این کشور را نیروی کار مهاجر تشکیل داده است (Globalmediainsight, 2023). عربستان سعودی از قبایل و عشیره‌های گوناگون تشکیل شده که بخش اعظم آن‌ها تا قبل از تشکیل کشور عربستان و فشار حکومت مرکزی بر یکجانشینی، بادیه نشین بودند. مهمترین خاندان عربستان، آل سعود است که خاندان پادشاهی است و از نوادگان عبدالعزیز آل سعود هستند. خاندان مهم دیگر این کشور، آل شیخ هستند که نوادگان محمد بن عبدالوهاب اند و امور فرهنگی و مذهبی عربستان را در اختیار دارند. خاندان مهم دیگر عربستان شمر است که به دلیل وصلت‌های سیاسی با اعضای خاندان آل سعود و آل شیخ، نفوذ سیاسی و مذهبی زیادی در کشور دارند. شهران، عنزه، قریش، قیس، قضاعه، بارق، بن‌وائل، هلال، کعب، سدیر از دیگر قبایل و خاندان‌های مهم عربستان هستند. در ادامه ترکیب مذهبی و همچنین نقشه کشور عربستان سعودی در خاورمیانه قابل مشاهده است.

دین	جمعیت
مسلمان	۳۱/۰۰۰/۰۰۰
مسیحی	۲/۱۰۰/۰۰۰
هندو	۷۰۸/۰۰۰

۲۴۲/۰۰۰	آتئیست/اگنستیک
۱۱۴/۰۰۰	بودایی
۶۷/۰۰۰	سیک

جدول ۱. ترکیب دینی در عربستان (Anonymous, International Religious Freedom Report, 2021, p. 3)



نقشه ۱. موقعیت عربستان سعودی در خاورمیانه (Authors, 2024).

بحث‌ها و یافته‌ها

عربستان سعودی به عنوان یکی از کشورهای موثر و بزرگترین کشور منطقه جنوب غرب آسیا (Factbook, 2023)، با چندین شکاف جغرافیای سیاسی مواجه است. این شکاف‌ها بر اساس موقعیت جغرافیایی، مسائل فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح داخلی شکل گرفته‌اند. همانگونه که در چارچوب مفهومی بررسی شد، شکاف‌ها شامل مسائل سرزمینی، اقتصادی، فرهنگی-مذهبی، قومی-نژادی، سیاسی و زبانی است.

به غیر شکاف زبانی که در عربستان سعودی مورد توجه نیست، دیگر شکاف‌ها بررسی شده‌اند. در ادامه شکاف‌ها بررسی شدند.

۱. شکاف‌های سرزمینی و جغرافیایی

عربستان سعودی پهناور است و هر منطقه آن فرهنگ و ویژگی‌های خاص خود را دارد. تقریباً همه تصمیمات اداری را حکومت در ریاض می‌گیرد؛ مثلاً تصمیم درباره محل احداث پروژه‌های توسعه کلان، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها و البته در همه این تصمیمات هیچ توجهی به اولویت‌های استان‌های محلی وجود ندارند. حکومت از شکل‌گیری هرگونه سازمان مستقل، مثل اتحادیه‌های کارگری، جلوگیری کرده است؛ بنابراین به راحتی می‌تواند بدون مشارکت جامعه این تصمیم‌ها را اتخاذ کند (House, 2012: 134). نبود شناخت از شرایط محلی و محیطی و عدم مشارکت شهروندان، موجب ایجاد شکاف‌های فضایی در عربستان سعودی شده است. دولت تک ساخت بسیط نیز بر این امر دامن زده است. هرچه از پایتخت و یا مراکز اقتصادی مانند آرامکو و جده فاصله بگیریم، چشم‌انداز نواحی فقیرتر می‌شود، به طوری که جنوب عربستان تبدیل به فقیرترین منطقه کشور شده است (Ibid: 138). به طور کلی می‌توان این کشور را به چند منطقه اصلی تقسیم کرد که هرکدام دارای تفاوت‌های اجتماعی و قومی هستند:

- منطقه شرقی (الشرقیه): منطقه‌ای که عمده‌تأ جمعیت شیعه در آن زندگی می‌کنند و یکی از مراکز اصلی تولید نفت کشور است. این منطقه به دلیل ثروت نفتی و همچنین اختلافات مذهبی (شیعه-سنی) همواره یکی از مناطق حساس و مناقشه‌برانگیز بوده است (House, 2012: 178).

- منطقه جنوبی (عسیر، نجران، جیزان): این منطقه از لحاظ تاریخی و فرهنگی با مناطق یمن پیوند داشته و بخشی از جمعیت آن از اقوام یمنی هستند (Fowzi & Hashemi, 2014: 208). این منطقه نیز به دلیل نزدیکی به یمن و جنگ یمن از لحاظ امنیتی و سیاسی حساس است (Koelbl, 2020: 30-70).

- منطقه مرکزی (نجد): که مرکز قدرت سیاسی عربستان است و اکثر نخبگان سیاسی و اقتصادی کشور از این منطقه می‌آیند (Rundell, 2021: 9). بیشتر امکانات برای این منطقه در نظر گرفته شده است. حتی در چشم‌انداز ۲۰۳۰^۱ نگاه ویژه‌ای به سرزمین آبا و اجدادی آل سعود شده است. همین امر یکی از چالش‌های آتی آل سعود خواهد بود.

بی‌عدالتی در توسعه فضایی یکی از عوامل شورش‌های اجتماعی است و همین امر می‌تواند به معضلات اجرایی کشور دامن بزند.

¹. Vision 2030

۲. شکاف مذهبی

به نظر می‌رسد شکاف مذهبی در عربستان سعودی به دو بخش عمده؛ تبعیض میان شیعیان و اهل سنت و همچنین رابطه دولت و مذهب بر می‌گردد. هر کدام از این عوامل در ادامه بررسی شده است.

الف) تبعیض میان شیعیان و اهل سنت

یکی از مهم‌ترین شکاف‌های سیاسی در داخل عربستان سعودی، شکاف میان شیعیان و سنی‌ها است. جمعیت شیعه عربستان، عمدتاً در استان شرقی متمرکز هستند که این منطقه با وجود جمعیت شیعه، قلب صنعت نفت کشور نیز به شمار می‌رود (North & Tripp, 2009: 38). شیعیان در عربستان با محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی متعددی مواجه بوده‌اند و از تبعیض در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و سیاسی شکایت دارند (Fowzi & Hashemi, 2014: 208-212). بر اساس تخمین سازمان ملل در سال ۲۰۱۹، شیعیان ۱۰ الی ۱۲ درصد کل شهروندان عربستانی و ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت استان شرقی را تشکیل می‌دهند (Anonymous, 2021: 3). از زمان اتحاد آل سعود و وهابیسیم، شیعه ستمی در دستور کار حاکمان بوده و دولت با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های گوناگون خود سعی در محدود کردن شیعیان داشته. دولت از این طریق، در صدد کسب مطلوبیت‌های سیاسی و هم راستا کردن سیاست خارجی کشورهای منطقه و جریان‌ها مذهبی در داخل بوده است (Pourahmadi & others, 2021: 110).

برخی از وهابیون، شیعیان را مرتد می‌دانند و برخی حتی تا آنجا پیش می‌روند که می‌گویند شیعیان مسلمان نیستند. این تعصب قدمت زیادی دارد. حتی در قرن حاضر نیز روحانیون ارشد وهابی شیعیان را به عنوان کافر محکوم کرده و کشتن آن‌ها را مجاز دانسته‌اند (Marshall, 2021: 83). بسیاری از وهابی‌ها شیعه را عامل فساد اسلام می‌دانند و به طور کلی به شیعیان به عنوان رعایای درجه دوم در پادشاهی نگاه می‌کنند (Helfont, 2019: 455). در سال ۱۸۰۶ میلادی، وهابی‌ها آرامگاه نوه پیامبر اسلام، امام سوم شیعیان در کربلا را غارت و زیارتگاه‌های مهم شیعیان را ویران کردند. همچنین حاکمان عمان را مجبور به پرداخت خراج کردند و حتی تا حلب در شمال سوریه یورش بردند (Rundell, 2021: 8). رویدادهای اینچنینی، ذهنیت تاریخی شیعیان را نسبت به دولت همواره نامساعد کرده و روابط شیعیان با دولت را تحت تاثیر قرار داده است.

اعتراضات شیعیان در این منطقه، به‌ویژه در دوره‌های مختلف، از جمله پس از خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱ و همچنین در پی اعدام شیخ نمر باقر النمر، روحانی برجسته شیعه در سال ۲۰۱۶، نمونه‌ای از این نارضایتی‌ها بوده است (Cowburn, 2016). این شکاف مذهبی به عنوان یکی از عوامل تنش‌زا در سیاست داخلی عربستان باقی مانده است.

ب) رابطه دولت و مذهب

بنیاد گفتمان حکومت عربستان به اتحاد محمد بن سعود و محمد عبدالوهاب و ایدئولوژی «وهابیت» و «سلفی‌گری» باز می‌گردد (Ahmadi & Heydari Moslou, 1402: 223). ابن سعود، فرصتی برای بهره‌برداری از دین به منظور سرکوب دشمنان خود و فتح عربستان یافت. آل سعود نه تنها برای فتوحات قبیله‌ای، بلکه با نام دین، به جنگ پرداخت و در نهایت پیروز شد. اولین نهاد شبه‌دولتی در سال ۱۷۴۵ توسط محمد بن سعود تأسیس شد. از آن زمان تا سال ۱۹۳۲، عربستان توسط قبایل مختلفی اداره می‌شد که یکی از آن‌ها آل سعود بود (House, 2012: 15). اتحادی که در سال ۱۷۴۴ بین عبدالوهاب و ابن سعود شکل گرفت، به تقسیم قدرت و مسئولیت‌ها انجامید. ابن سعود بر مسائل نظامی و سیاسی حکومت نظارت داشت و عبدالوهاب مسئولیت امور مذهبی را بر عهده گرفت. استفاده از مشروعیت مذهبی به ابن سعود این امکان را داد تا حکومت خود را از یک دولت محلی-قبیله‌ای به اولین دولت سعودی گسترش دهد. نوادگان عبدالوهاب (خاندان شیخ) نیز همچنان مسئولیت امور مذهبی در حکومت سعودی را بر عهده دارند (Barmin, 2018).

دولت در سال‌های اخیر با تلاش برای تغییر رابطه خود با مذهب، روایتی تازه از وهابیت تحت عنوان «اسلام میانه‌رو» را دنبال کرده است. این رویکرد، با توجه به پیشینه تاریخی مردم عربستان و نقش برجسته مذهب و سنت در این کشور، می‌تواند به دو شکل منجر به مرکزگرایی شهروندان شود. نخست، نارضایتی میان مردم ایجاد خواهد کرد و دوم، سبب هم‌پیوندی بیشتر شهروندان با جامعه جهانی می‌شود. در نتیجه، نوعی بیگانگی اجتماعی شکل خواهد گرفت که تاکنون در عربستان سعودی سابقه نداشته است (Joufar & Others, 2024: 189). به قدرت رسیدن محمد بن سلمان را می‌توان نقطه عطفی برای جریان لیبرال در برابر وهابی‌ها و اخوانی‌ها دانست. او در مصاحبه‌هایی در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ تأکید کرد که ابن عبدالوهاب نماینده رسمی عربستان نیست و تاریخ به دلیل تسلط شاگردان او از دیدگاه آن‌ها نوشته شده است. بن سلمان همچنین به سوءاستفاده افراطیون از آموزه‌های عبدالوهاب اشاره کرده و بر تکثرگرایی مذهبی در عربستان تأکید دارد، معتقد است که هیچ‌کس نباید تنها یک مسیر مذهبی را به دیگران تحمیل کند (Gazette, 2022). شهرت عربستان سعودی بر سه گزاره است؛ موقعیت خاص در خاورمیانه، بزرگترین صادکننده نفت جهان و میزبانی از حج، همچنان نقش مذهبی برای شهروندان عربستانی از اولویت بالایی برخوردار است (Henderson, 2021).

سیاست‌های جدید محمد بن سلمان علیه وهابیت و تضعیف قدرت مفتی‌ها و نهادهای مذهبی تاکنون با اعتراض جدی مواجه نشده است، اما این تحولات باعث احساس ضعف در نهادهای مذهبی شده است. وهابیت به حاشیه رانده و نوعی اسلام سکولار ترویج می‌شود که مورد نارضایتی علمای دینی و خاندان

آل‌شیخ است. تضعیف ساختار مذهبی چند صد ساله، ممکن است علما را تحریک کند، به‌طوری که برخی از آن‌ها دولت را فاسد و تحت تأثیر غرب می‌دانند. این اقدامات باعث افزایش مخالفت روحانیون با بن‌سلمان شده است (Barmin, 2018). چشم‌انداز آینده‌ای که بن‌سلمان و مشاورانش برای مدرن‌سازی عربستان ترسیم کرده‌اند، پایه‌های اتحاد سنتی بین خاندان سعودی و وهابیت را متزلزل می‌کند. توافقی که توسط پدربزرگ بن‌سلمان، ابن‌سعود، شکل گرفت، مبتنی بر اطاعت مردم در قبال دریافت درآمدهای نفتی بود. اما بن‌سلمان نسخه‌ای مدرن از این ایده را مطرح می‌کند که در آن نقش نفت به تدریج کمرنگ می‌شود (Marshall, 2021: 88).

در حال حاضر نقش وهابیت در جامعه رو به تنزل است و به نوعی دچار انزوا شده است. این انزوا شامل، افول پلیس مذهب (مُطَوِّع)، تغییر نقش زنان، چرخش نهاد دانشگاه و مجموعه جشنواره‌هایی با عنوان موسم ریاض است که سبک زندگی جدیدی را در این کشور تبلیغ می‌کند (Joufar & others, 2024: 186). دولت در حال تلاش برای کاهش نقش وهابیت در جامعه و ترویج اسلام میانه‌رو با تعریفی خاص از آن است. این نوع اسلام، جهاد و اقدامات افراطی وهابی را شامل نمی‌شود. به نظر می‌رسد که رابطه میان مذهب و دولت در عربستان در حال تضعیف است.

۳. شکاف‌های قومی-قبیله‌ای

عربستان سعودی به‌عنوان کشوری با تاریخچه‌ای عمیق در ساختارهای قبیله‌ای، همواره با شکاف‌های قومی و قبیله‌ای دست و پنجه نرم کرده است. ساختار اجتماعی عربستان سعودی تا حد زیادی بر پایه قبایل شکل گرفته و در عین حال تنوع قومی نیز در برخی مناطق این کشور قابل توجه است (Weston, 1987: 104). این شکاف‌های قومی و قبیله‌ای ممکن است در سیاست داخلی و روابط اجتماعی کشور تأثیرگذار باشند، هرچند دولت سعودی در تلاش بوده است که این شکاف‌ها را کنترل و تعدیل کند.

الف) ساختار قبیله‌ای در عربستان سعودی

عربستان سعودی از لحاظ تاریخی یک جامعه قبیله‌ای بوده است و هنوز هم بسیاری از قبایل در این کشور از نفوذ قابل توجهی برخوردارند. در این کشور قبایل مختلفی با قدرت‌های سیاسی و اقتصادی گوناگون زندگی می‌کنند (Hashemi, 2019: 100). قبایل عرب در این ساختار اجتماعی نقش کلیدی دارند و بسیاری از خاندان سلطنتی سعودی نیز از همین قبایل ریشه می‌گیرند.

- خاندان سعود: آل سعود مهم‌ترین شاخه این قبیله است. ریشه آل سعود به سعود بن محمد بن مقرن (۱۶۴۰ م.) جد اعلائی آل سعود می‌رسد. او از دودمان مقرن از طایفه بنی حنیفه از قبیله بکر بن وائل بود که حدود پنج سال (۱۷۲۰-۱۷۲۵ م.) حاکم درعیه (منطقه ریاض کنونی) بود (Aljazairi, 1968: 5-9).
- خاندان شیخ: آل شیخ نوادگان محمد بن عبدالوهاب هستند. آن‌ها از زمان پیمان ابن سعود با عبدالوهاب همواره جزو خاندان‌های پر نفوذ عربستان بودند و امور مذهبی را بر عهده داشتند. اکنون نیز نهادها و وزارتخانه‌های مذهبی زیر نظر این خاندان اداره می‌شود و مناصب و امور فرهنگی در دست این خاندان است. آل شیخ ظهور هرگونه رقیب و تهدیدهای مذهبی را برای آل سعود دفع می‌کند و اتحاد این دو خاندان تا به امروز موفق بوده (Alishahi & Others, 2023: 197). البته اکنون با توجه به سیاست‌های جدید بن سلمان، اختلافاتی بین این دو خاندان به وجود آمده، اما اتحاد آن‌ها تاکنون پابرجا است.
- خاندان هاشم: خاندان هاشم که اکنون خاندان سلطنتی کشور اردن هستند، خود را منتسب به قبیله قریش می‌دانند و عبدالعزیز در بحبوحه جنگ جهانی دوم با کمک بریتانیا، قدرت را به دست گرفت و خاندان هاشم از قدرت کنار رفتند. به طور سنتی خاندان هاشم بر منطقه حجاز که شهرهای مهم مکه و مدینه در آن قرار داشت، حکومت می‌کرد (Fromkin, 2020: 482-490).
- خاندان رشید: آل رشید از خاندان‌های پر نفوذ عربستان بودند و در دوران امپراطوری عثمانی تا مدت‌ها قدرت اصلی شبه جزیره در ید این خاندان قرار داشت. این خاندان همواره رقیب اصلی آل سعود به شمار می‌رفت. عبدالعزیز در سال ۱۹۰۲ ریاض را تسخیر کرد و این خاندان را سرنگون کرد. اکنون این خاندان هیچ جایگاهی در حکومت ندارند. بیشتر اعضای این خاندان پس از اخراج از عربستان، به عراق و قطر مهاجرت کردند (Rundell, 2021: 11).
- خاندان شمّر: یکی از قبایل مهم در مناطق شمالی عربستان است که به دلیل وسعت قلمرو و نفوذ تاریخی‌اش، از اهمیت برخوردار بوده است (Williamson, 1975: 30-35). این خاندان همواره دارای نفوذ بودند، به عنوان مثال ملک عبدالله پادشاه سابق عربستان، از سمت مادری، به این خاندان منتسب بود.
- خاندان بن لادن: خاندان بن لادن جزو معروف‌ترین خاندان‌ها در عربستان سعودی است. معروف‌ترین فرد این خانواده اسامه است که مدت‌ها رهبر القاعده بود. علی‌رغم اینکه این خاندان اصالت یمنی دارند، بن لادن‌ها با آل سعود ارتباط نزدیکی دارند. پدر این خاندان از مقاطعه کاران بزرگ سعودی بود که پیمان‌کار بزرگ مسجدالحرام، مسجدالنبی، و قصر پادشاهی بود (Lacey, 2021: 105). وجه تمایز این خاندان با دیگران، قدرت اقتصادی آن و نفوذشان در حکومت به همین علت است (PBS, 2023).

ب) شکاف میان قبایل نجد و حجاز

عربستان سعودی از لحاظ تاریخی از دو منطقه عمده تشکیل شده است؛ نجد و حجاز. این دو منطقه تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل توجهی دارند:

- نجد: که مرکز اصلی خاندان سعودی است، منطقه‌ای با قبایل قدرتمند و نخبگان سیاسی و اقتصادی به حساب می‌آید. ریاض، پایتخت عربستان، در این منطقه قرار دارد.

- حجاز: این منطقه شامل شهرهای مقدس مکه و مدینه است و تا پیش از تأسیس دولت سعودی، منطقه‌ای با پادشاهی‌های مستقل بود. حجاز از لحاظ فرهنگی بیشتر به جهان اسلام متصل است و نسبت به نجد دارای تنوع مذهبی و فرهنگی بیشتری است.

این شکاف‌ها در شکل‌گیری ساختار قدرت در داخل عربستان سعودی تأثیر داشته است. حجاز، به‌عنوان منطقه‌ای با نفوذ مذهبی، همواره اهمیت زیادی برای دولت سعودی داشته (Bin Abdulwahhab, 2019: 68)، اما نجد، به‌عنوان مرکز قدرت سیاسی و اقتصادی، همیشه بر مدیریت کشور تسلط داشته است. این شکاف تاریخی هنوز هم به نوعی در پویایی‌های سیاسی و اجتماعی کشور دیده می‌شود (House, 2012: 171).

نظام سیاسی عربستان سعودی به‌طور مستقیم بر پایه ساختار قبیله‌ای شکل گرفته است. خاندان سلطنتی آل سعود توانسته است از طریق ایجاد ائتلاف با قبایل مختلف، قدرت خود را تثبیت کند. اما همچنان برخی قبایل به‌طور سنتی از نفوذ بیشتری برخوردارند و برخی دیگر احساس نابرابری می‌کنند (Bin Abdulwahhab, 2019: 68). در برخی موارد، قبایل بزرگ ممکن است قدرت محلی قابل توجهی داشته باشند و در برخی مناطق حتی نقش‌های کلیدی در مدیریت محلی ایفا کنند. شکاف‌های قومی و قبیله‌ای در عربستان سعودی به دلیل تاریخچه قبیله‌ای این کشور و تنوع فرهنگی و منطقه‌ای آن بسیار مهم هستند. این شکاف‌ها بر روابط اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی کشور تأثیر گذاشته‌اند. اگرچه حکومت سعودی تلاش کرده است که از طریق کنترل و مدیریت قبایل و اقوام مختلف، ثبات داخلی خود را حفظ کند، اما همچنان برخی از این شکاف‌ها می‌توانند منجر به چالش‌های داخلی شوند، به‌ویژه در شرایط نارضایتی اجتماعی یا سیاسی.

ج) شکاف بین عرب‌های شهرنشین و بدوی‌ها

یکی دیگر از شکاف‌های مهم در عربستان سعودی، تفاوت میان عرب‌های شهرنشین و عرب‌های بدوی است:

- بدوی‌ها: اعراب بدوی یا بادیه‌نشینان، در گذشته به زندگی کوچ‌نشینی در بیابان‌های عربستان مشغول بودند. هرچند که بسیاری از آن‌ها اکنون به شهرها و مناطق مسکونی منتقل شده‌اند، اما تفاوت‌های فرهنگی و

اجتماعی میان آن‌ها و شهرنشینان باقی مانده است. بدوی‌ها معمولاً به زندگی قبیله‌ای پایبندتر بوده و فرهنگ خاص خود را حفظ کرده‌اند (Bangash, 2013).

• شهرنشینان: اعراب شهرنشین که در مناطق شهری عربستان مانند ریاض، جده، و دمام زندگی می‌کنند، به لحاظ اجتماعی و اقتصادی از فرصت‌های بیشتری برخوردار بوده‌اند و به فرهنگ مدرن و سبک زندگی شهری نزدیک‌ترند (Mokhtari & others, 2015: 166).

این تفاوت‌ها گاه به شکاف‌های اقتصادی و فرهنگی میان بدوی‌ها و شهرنشینان منجر شده است.

۴. شکاف اقتصادی

عربستان سعودی با وجود ثروت نفتی فراوان، با چالش‌های اقتصادی داخلی روبرو است. توزیع نابرابر ثروت بین طبقات مختلف جامعه و مشکلات مربوط به بیکاری، به ویژه در میان جوانان، ممکن است منجر به ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی شود. بر اساس آخرین آمار موجود در سال ۲۰۲۳ نرخ بیکاری جوانان ۱۶.۲۵ درصد بود (Statista, 2024). دولت زمانی که از اشتغال صحبت می‌کند و دست به ارائه آمار می‌زند، برای مخاطبان این نکته مغفول می‌ماند که نیروی بسیاری از جمعیت نیروی کار شاغل خارجی‌های ساکن در این کشور هستند. به عنوان مثال از جمعیت ساکن در عربستان در سال ۲۰۲۳، ۴۱.۶ درصد یعنی ۱۳.۴ میلیون نفر غیر سعودی و ۵۸.۴ درصد یعنی ۱۸.۸ میلیون نفر سعودی هستند. چیزی نزدیک به ۴۲ درصد از جمعیت خارجی‌های ساکن در پادشاهی هستند که برای کار به این کشور مهاجرت کرده‌اند. با توجه به آمار بیان شده نمی‌توان گفت یک توسعه زیربنایی در کشور صورت گرفته یا در آینده این اتفاق خواهد افتاد. در شکل زیر، میزان جمعیت سعودی و غیر سعودی در عربستان را شاهد هستیم.



شکل ۲. نمودار تفاوت ملیت شهروندان و ساکنین در عربستان سعودی (Globalmediainsight, 2023).

ضریب جینی شاخصی بین ۰ الی ۱۰۰ است که میزان توزیع درآمد یک کشور را نشان می‌دهد. هر چه میزان این ضریب به ۱۰۰ نزدیکتر باشد، یعنی درآمد مساوی میان ساکنین یک کشور تقسیم می‌شود. براساس داده‌ها بانک جهانی، تخمین زده می‌شود ضریب جینی عربستان سعودی ۴۵.۶ است (World Bank, 2024). در داده‌های موجود از برخی کشورهای خاورمیانه در بانک جهانی عربستان از یازده کشور، رتبه نهم را کسب کرده است. کشورهای مورد بررسی قرار گرفته به ترتیب برابری ضریب جینی شامل؛ امارات، عمان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، اردن، کویت، قطر، لبنان، عربستان سعودی، بحرین و یمن است. بنابراین مشخص می‌شود به لحاظ شاخص توزیع درآمد میان کشورهای منطقه، وضعیت عربستان بسیار نامساعد است. همچنین بر اساس آمار موجود ۲۰ درصد از جمعیت این کشور در فقر مطلق زندگی می‌کنند (Al-Khamri, 2019).

شکاف اقتصادی و طبقاتی نیز یکی از چالش‌های سیاسی عمده در عربستان سعودی است. با وجود درآمدهای کلان نفتی، نابرابری‌های اقتصادی در این کشور بالا است. بخش عمده‌ای از ثروت کشور در دست خاندان سلطنتی و طبقه‌ای از نخبگان اقتصادی متمرکز شده است، در حالی که بخش‌هایی از جامعه به‌ویژه جوانان با مشکلات بیکاری و فقدان فرصت‌های اقتصادی مواجه‌اند.

- این نابرابری اقتصادی منجر به بروز نارضایتی‌های اجتماعی شده و حتی می‌تواند به چالش‌های سیاسی منجر شود.
- برنامه‌های اقتصادی مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰ که به دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت است، اگرچه برای مقابله با این شکاف طراحی شده است، اما موفقیت آن هنوز به طور کامل تضمین نشده و همچنان با موانعی روبرو است.

۵. شکاف سیاسی

شکاف سیاسی در عربستان سعودی به اختلافات و چالش‌هایی اشاره دارد که در سطح داخلی و در نظام سیاسی این کشور وجود دارد. اگرچه عربستان سعودی یک پادشاهی مطلقه است و پادشاه قدرت سیاسی و اجرایی بالایی دارد (Hashemi, 2019: 17). ممنوعیت رسمی فعالیت هرگونه حزبی در عربستان، پادشاهی را به نهاد سیاسی مرکزی بدل ساخته و موروثی بودن این نهاد در میان فرزندان ابن‌سعود به صراحت در فصل دوم قانون اساسی این کشور آمده است (Mohseni & Wilcox, 2009: 222). اما عوامل و تضادهای سیاسی مختلفی در این کشور مشاهده می‌شود که می‌توان آن‌ها را به عنوان شکاف‌های سیاسی داخلی تعریف کرد. در ادامه به بررسی مهم‌ترین این شکاف‌ها می‌پردازیم:

الف) شکاف بین جناح‌های مختلف خاندان سلطنتی (آل‌سعود)

خاندان سلطنتی سعودی، به‌ویژه پس از مرگ ملک عبدالله در سال ۲۰۱۵ و به قدرت رسیدن ملک سلمان و ولیعهدی محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۷، شاهد برخی شکاف‌های داخلی بوده است. این شکاف‌ها معمولاً به شکل رقابت میان جناح‌های مختلف خاندان آل سعود برای قدرت و نفوذ بیشتر بروز می‌کند (Marshall, 2021: 83).

محمد بن سلمان که به عنوان ولیعهد و نفر دوم در سلسله قدرت انتخاب شده است، در تلاش برای تمرکز قدرت در دستان خود، بسیاری از رقبای خود در داخل خاندان سلطنتی را کنار گذاشته و حتی برخی را زندانی یا تحت فشار قرار داده است (Dionet, 2021). برخی دیگر نیز اجازه خروج از کشور را ندارند (Koelbl, 2020: 30-90). از سال ۲۰۱۵، اکثریت بزرگ شاهزادگان سعودی مصونیت‌های خود را از دست دادند. حساب‌های بانکی سلطنتی مسدود شد و کمک‌های مالی سلطنتی لغو شد. اکثر شاهزادگان اکنون باید از مسیرهای عادی و گمرک در فرودگاه عبور کنند. دیگر قبض‌های برق و تلفن سلطنتی توسط دیوان سلطنتی پرداخت نمی‌شود. بیشتر شاهزادگان دیگر قراردادهای با هزینه‌های اضافه‌تر، بلیط هواپیمای رایگان، سهمیه ویزای کار برای خدمه که بتوانند با سود زیاد آن را بفروشند دریافت نمی‌کنند. اکنون شرایط با گذشته فرق دارد (Rundell, 2021: 135).

اقدامات وی از جمله بازداشت اعضای ارشد خاندان سعودی در کمپین‌های ضد فساد، نشان‌دهنده شکاف‌های جدی در داخل خاندان سلطنتی است (Rundell, 2021: 1). هرچند محمد بن سلمان توانسته بخش بزرگی از قدرت را به دست بگیرد، اما این رقابت‌ها و تضادهای داخلی همچنان ادامه دارد. عملکرد سلمان و پسرش موجب نارضایتی خاندان پادشاهی و نخبگان قدرت در عربستان سعودی شده است. این اتفاق ماندگاری بن سلمان در قدرت و یا پادشاهی وی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بن سلمان با اقدامات خاص قصد داشت که بدون حاشیه در قدرت باقی بماند. اکنون در قدرت است اما حواشی زیادی وجود دارد و با اینکه خاندان و نخبگان را کنترل کرده است، اما آینده قدرت وی، دارای ابهامات زیادی است. نخبگان و خاندان ناراضی تهدیدی هستند که ممکن است هر آن علیه وی اقداماتی انجام دهند.

ب) شکاف میان سنت‌گرایان و اصلاح‌طلبان

در عربستان سعودی، شکاف قابل توجهی بین سنت‌گرایان مذهبی و اصلاح‌طلبان مدرن وجود دارد (عالیشاهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۹۸). تاریخ گواهی می‌دهد اکثر تشکیلات مذهبی عربستان سعودی از طرح‌های جدید استقبال نکرده‌اند. نمونه آن شورش‌های افتتاح تلویزیون و ترور ملک فیصل توسط یکی از برادرزاده‌هایش (Barmin, 2018)، شورش سال ۱۹۶۴ معروف به شکستن تصاویر (Fowzi & Hashemi,

(200: 2014)، شورش جهیمان العتیبی و تسخیر مسجدالحرام در سال ۱۹۷۹ (Lacey, 2021: 35-44) و یا حملات تروریستی سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ است. (Marshall, 2021: 79) این شکاف به‌ویژه در سال‌های اخیر و با پیشرفت برنامه‌های اصلاحی محمد بن سلمان، مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰، عمیق‌تر شده است (Koelbl, 2020: 17-40).

سنت‌گرایان، به‌ویژه اعضای متنفذ نهادهای مذهبی و علمای وهابی، خواهان حفظ ارزش‌های سنتی و اسلامی‌اند و با تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی که از سوی دولت اعمال می‌شود، مخالفت می‌کنند (Hashemi, 2019: 197). اصلاح‌طلبان و نخبگان جوان در مقابل، خواستار مدرنیزاسیون جامعه، کاهش وابستگی اقتصادی به نفت، و آزادی‌های اجتماعی بیشتر هستند. از جمله اصلاحات بحث‌برانگیز محمد بن سلمان می‌توان به اعطای حقوق بیشتر به زنان، کاهش نقش پلیس مذهبی (هیئت امر به معروف و نهی از منکر) و بازگشایی فضاهای عمومی برای سرگرمی‌ها و تفریحات مدرن اشاره کرد (اسدی، ۱۴۰۲). به نظر می‌رسد جامعه مذهبی در حال حاضر نوعی صبر استراتژیک را تجربه می‌کند و نظاره‌گر شرایط کنونی است. ممکن است در زمانی که شرایط برای کشنگری‌های عملی و ضد امنیتی در جامعه فراهم شود، این بخش از جامعه و یا افرادی که از تغییرات متضرر شده‌اند، اقداماتی انجام دهند که از سوی نخبگان سیاسی آل‌سعود، غیر قابل پیش‌بینی باشد.

نتیجه‌گیری

عربستان سعودی با چندین شکاف داخلی مواجه است. این شکاف‌ها از نوع جغرافیای سیاسی است و در داخل مرزهای این کشور در سطوح محلی و ملی تاثیرگذار هستند. درحالی که این کشور تلاش دارد با اصلاحات داخلی این شکاف‌ها را مدیریت کند، اما پویایی‌های سیاسی همچنان چالش‌هایی را برای این کشور به همراه خواهند داشت. پژوهش حاضر با بررسی شکاف‌های جغرافیای سیاسی عربستان، به غیر شکاف زبانی که در عربستان سعودی وجود نداشت، دیگر شکاف‌هایی که در چارچوب نظری آن را بررسی کرد دارا بود. شکاف‌های جغرافیای سیاسی این کشور شامل چهار مورد اصلی؛ سرزمینی-جغرافیایی، مذهبی، قومی-قبیله‌ای، اقتصادی و سیاسی است.

شکاف‌های سرزمینی و جغرافیایی، شامل سه منطقه شرقی، جنوبی و مرکزی است. منطقه شرقی به عنوان منطقه‌ای شیعه‌نشین یکی از مناطق مناقشه برانگیز بوده و تولید نفت نیز در این منطقه صورت می‌گیرد. منطقه جنوبی به لحاظ فرهنگی با منطقه مرکزی متفاوت است و با مناطق یمن پیوند دارد و دارای حساسیت‌های امنیتی و سیاسی است. منطقه مرکزی، بیشترین امکانات و توانایی اقتصادی کشور را به خود اختصاص داده و نخبگان سیاسی و اقتصادی و همچنین خاندان آل‌سعود در آن قرار گرفته‌اند.

شکاف مذهبی، شامل تبعیض میان شیعیان و اهل سنت، همچنین تغییر رابطه دولت و مذهب است. تبعیض میان اهل سنت و شیعیان، اتحاد آل سعود و وهابیس، شیعه‌ستیزی تاریخی دولت حاکم، موجب ایجاد تنش‌هایی در بدنه مرکزی دولت شده است. از طرفی با به قدرت رسیدن بن سلمان به عنوان یک لیبرال، رابطه دولت با مذهب تغییر کرده است. دولت به دنبال تغییر روایت از مذهب با عنوان «اسلام میانه‌رو» است. این روایت در تقابل با جریان وهابیت بوده و موجب نارضایتی‌هایی در نهاد مذهب شده است. از این رو، نقش وهابیت در جامعه رو به تنزل است.

شکاف‌های قومی و قبیله‌ای، شامل سه سطح در ساختار قبیله‌ای، شکاف میان قبایل نجد و حجاز و در نهایت شکاف بین عرب‌های شهرنشین و بدوی‌ها شده است. در سطح اول، آل شیخ و آل سعود به عنوان متحد‌های قدیمی همواره در راستای شکل‌گیری قدرت یکدیگر اثرگذار بوده و نزدیک به سیصد سال همپیمان هستند. با قدرت‌گیری آل سعود توسط عبدالعزیز، آل هاشم و آل رشد قدرت را از دست داده‌اند. خاندان شمر به عنوان خاندان پرنفوذ عربستان، همواره سعی در کسب قدرت بیشتر داشته‌اند. بن‌لادن‌ها نیز، کسب قدرت اقتصادی و بازیگری در جهت منافع خود را اولویت قرار می‌دهند. در سطح دوم، قبایل نجد، در مرکز قدرت و ثروت قرار دارند اما قبایل حجاز در مراکز فرهنگی و مذهبی واقع شده‌اند. لذا احساس نابرابری در مولفه‌های جغرافیای سیاسی به دلیل نوع مدیریت آل سعود، در میان قبایل مختلف وجود دارد و این شکاف‌ها ظرفیت ایجاد چالش برای دولت مرکزی را دارند. در سطح سوم، عرب‌ها بدوی، اگرچه اکنون شهرنشین شده‌اند، اما همچنان دارای تفاوت فرهنگی با اعراب شهرنشین در ریاض، جدّه و دمام هستند و به لحاظ اجتماعی و اقتصادی، فرصت‌های کمتری را بدست می‌آورند.

شکاف اقتصادی، اشاره به توزیع نابرابر ثروت بین طبقات مختلف جامعه، بیکارای جوانان، حضور گسترده مهاجران خارجی به عنوان نیروی کار دارد. بخش عمده‌ای از ثروت در ید خاندان سلطنتی و نخبگان سیاسی است. در حالی که جوانان با مشکلات بیکاری و فقدان فرصت‌های شغلی مواجه هستند. از طرفی مساله فقر مطلق چالش مهم اقتصادی دیگری است که دولت سعودی با آن مواجه است، به طوری که ۲۰ درصد جمعیت کشور، در فقر مطلق به سر می‌برند. همچنین چشم‌انداز ۲۰۳۰، به عنوان سند تحول اقتصادی این کشور، همچنان با موانعی مواجه است و همچنان موفقیت آن دارای ابهاماتی است.

شکاف سیاسی به عنوان شکاف نهایی پادشاهی، دو بخش عمده دارد. بخش اول، شکاف میان جناح‌های مختلف آل سعود است. پس از ولیعهدی بن سلمان، رقابت معناداری در خاندان سلطنتی برای کسب قدرت و نفوذ شکل گرفت. بن سلمان در تلاش برای تمرکز قدرت و کنار زدن رقبای احتمالی خود است. به همین دلیل مصونیت‌های اعضای خاندان سعود را لغو کرده و از طرفی، رقبای احتمالی خود را زندانی کرده یا تحت فشار قرار داده است. بخش دوم، شکاف میان سنت‌گرایان و اصلاح‌طلبان است. نهاد مذهب همواره نسبت به

تغییرات در عربستان واکنش منفی داشته و بیشتر شورش‌های این کشور، توسط تشکیلات مذهبی و در مخالفت با تغییرات بوده است. برای نهاد مذهب، حفظ ارزش‌های سنتی و وهابیت مهم تلقی می‌شود. اصلاح‌طلبان و نخبگان جوان، به دنبال مدنی‌زاسیون جامعه، کاهش قدرت نهاد مذهب و تغییرات فرهنگی هستند. با برنامه‌های اصلاحی بن‌سلمان مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰، این شکاف عمیق‌تر شده و میان سنت‌گرایان و اصلاح‌طلبان تنش‌هایی به وجود آورده است.

به نظر می‌رسد این شکاف‌ها که از نوع جغرافیای سیاسی است، چالش مهم عربستان سعودی است. دولت در صورت ناتوانی در مدیریت این شکاف‌ها، با تنش‌های گوناگونی میان طبقات مختلف جامعه و نخبگان مواجه خواهد شد. ظرفیت این شکاف‌ها به گونه‌ای است که بقاء حکومت آل‌سعود را تهدید می‌کند و آینده آن را با خطرات احتمالی مانند شورش، جنگ داخلی، ترور نخبگان مختلف، تصلب دولت و امثال آن رقم می‌زند.

کتابنامه

1. Ahmadi, S., & Heydari moslou, T. (2023). Regional Power Competition in West Asia. Tehran: Univesity of Tehran. [in Persian].
2. Alishahi, A., Barzegar, E., Khorramshad, M., & Rahbar, A. (2023). "Mohammed bin Salman and the transition from Pan-Wahhabism to a secular system in Saudi Arabia: Roots and consequences." *Political Science Quarterly*, 19(1), 189-212. [in Persian].
3. Assadi, A. (2023). Interview by Mohammadreza Joufar. *Approaches and domestic changes during Bin Salman's era*. [in Persian].
4. Aljazairi, M. (1968). Diplomatic history of Saudi Arabia 1903-1960's. Arizona: The University of Arizona.
5. Anderson, L. (2020). ity of Black Gold: Oil, Ethnicity, and the Making of Modern Kirkuk by Arbella Bet-Shlimon. *The Middle East Journal*, 74(1), 146-148.
6. Anonymous. (2021). SAUDI ARABIA 2021 INTERNATIONAL RELIGIOUS FREEDOM REPORT. United States Department of State. Washington: Office of International Religious Freedom.
7. Bangash, Z. (2013). Aal Saud: The primitive clan from Dar'iyah. Retrieved 10 23, 2023, from Crescent International: <https://crescent.icit-digital.org/articles/aal-saud-the-primitive-clan-from-dar-iyah>
8. Barmin, Y. (2018, 01 07). Can Mohammed bin Salman break the Saudi-Wahhabi pact? Retrieved from Aljazeera: <https://www.aljazeera.com/opinions/2018/1/7/can-mohammed-bin-salman-break-the-saudi-wahhabi-pact>.
9. Bashiriyeh, H. (2022). Political Sociology. Tehran: Nashr-e Ney. [in Persian].
10. Bell, D. (2002). The coming of post-industrial society. (E-Book). New York: Basic Books.
11. Bin Abdulwahhab, S. (2019). The Divine Thunderbolts in Refutation of Wahhabism. Istanbul: Maktabah al-Ashiq. [in Arabic].
12. Bogdanor, V. (1997). Power and people: A guide to constitutional reform. London: Victor Gollancz.

13. Brooks, C. Nieuwbeerta, P. & Manza, J. (2006). Cleavage – based voting behavior in cross national perspective. *Social Science Review*, 35, 88-128.
14. Cowburn, A. (2016, 01 02). Sheikh Nimr al-Nimr profile: A 'holy warrior' who called for elections in Saudi Arabia. Retrieved 07 11, 2023, from Independent: <https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/sheikh-nimr-alnimr-executed-a-holy-warrior-who-called-for-elections-in-the-saudi-kingdom-a6793656.html>
15. Dionet, C. (2021, 12 09). Saudi Arabia: A modernization by forced march? Retrieved 2023, from Securite & Defense: <https://sd-magazine.com/?p=11860>
16. Factbook. (2023). Saudi Arabi. In *The CIA World Factbook* (E-book ed.). New York: Skyhorse Publishing.
17. Flanagan, S. C. (1982). Changing values in advanced industrial society. *Comparative Political Studies*, 14 (4), 403-444.
18. Fowzi, Y., & Hashemi, A. (2014). *Contemporary Islamic Movements: Regional Analysis*. Tehran: Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution. [in Persian].
19. Fromkin, D. (2020). *A Peace to End All Peace* (H. Afshar, Trans.). Tehran: Nashr-e Mahi.
20. Globalmediainsight. (2023, 07 04). SAUDI ARABIA POPULATION STATISTICS 2023. Retrieved from Globalmediainsight: <https://www.globalmediainsight.com/blog/saudi-arabia-population-statistics/>
21. Haddad, F. (2020). From existential struggle to political banality: The politics of sect in post-2003 Iraq. *The Review of Faith & International Affairs*, 18(1), 70-86.
22. Hafeznia, M. (2020). *Political Geography of Iran*. Tehran: Samt. [in Persian].
23. Hashemi, M. (2019). *Religion and State in Saudi Arabia*. Qom: Al-Mustafa. [in Persian].
24. Helfont, S. (2019). Islam in Saudi Foreign Policy: The Case of Ma'ruf al-Dawalibi. *The International History Review*, 42(3), 449-464. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/07075332.2019.1613671>
25. Henderson, S. (2021, 10 13). Saudi Arabia: What Has Changed, What Hasn't. Retrieved from Washingtoninstitute: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/saudi-arabia-what-has-changed-what-hasnt>
26. House, K. E. (2012). *On Saudi Arabia: its people, past, religion, fault lines, and future* (E-Book ed.). New York: Knopf.
27. Joufar, M., Mehrabi, A., & Mohammadi, H. (2024). "Pathology of the relationship between the state and religion in Saudi Arabia with an emphasis on the framework of Jean Guttman's theory." *Journal of Geography*, 81(22), 175-195. <http://doi.org/10.22034/iga.2024.2025938.1296>. [in Persian].
28. Khedir, H. H. (2021). IDPs in the Kurdistan Region of Iraq (KRI): Intractable Return and Absence of Social Integration Policy. *International Migration*, 59(3), 145-161.
29. Koelbl, S. (2020). *Behind the Kingdom's Veil: Inside the New Saudi Arabia under Crown Prince Mohammed bin Salman* (E-book ed.). New York: Mango Publishing Group.
30. Lacey, R. (2021). *Inside the Kingdom* (M. Asgari, Trans.). Tehran: Kavir. [in Persian]
31. Manaz, J. & Brooks, C. (1999). *Social Cleavages and Political Change: Voter Alignments and u.s party Coalitions*. Oxford: Oxford University Press.

32. Marshall, T. (2021). *The Power of Geography*. London: Elliott & Thompson.
33. Mohseni, P., & Wilcox, C. (2009). Religion and political parties. In J. Haynes (Ed.), *Routledge Handbook of Religion and Politics* (pp. 211-230). New York: Routledge.
34. Mokhtari, A., Mohammadi-Azizabadi, M., & Hajipour, M. (2015). "A comparative study of the role of the new middle class in the revolutions of Egypt and Saudi Arabia." *Islamic Awakening Quarterly*, 4(7), 139-171. [in Persian].
35. Norris, P. & Lovenduski, J. (1995). *Political Recruitment: Gender, Race and Class*. London: Cambridge University Press.
36. North, P., & Tripp, H. (2009). *Culture Shock A Survival Guide to Customs and Etiquette Saudi Arabia* (Third ed.). New York: Marshall Cavendish.
37. Parchami, D., & Derakhshan, F. (2021). Investigating the social cleavage and the factors affecting it; Case study: Tehran. *Journal of Applied Society*. 32(3). 1-26.
38. PBS. (2023). About The Bin Laden Family. Retrieved from PBS: <https://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/binladen/who/family.html>
39. Pourahmadi, H., Gheyasi, S., & Ghaemi, Y. (2021). "Analysis of Saudi Arabia's influence in the region and the Islamic world and its counter-strategy against Iran." *Political and International Approaches Quarterly*, 12(3), 89-118. [in Persian].
40. Riyahi Raviz, H. (2013). *Political Sociology (West and Iran)*. Tehran: Sanjesh va Danesh. [in Persian].
41. Rundell, D. H. (2021). *Vision or Mirage*. London: I.B. TAURIS.
42. Saudi Gazette. (2022, 03 03). Ibn Abdul Wahhab is not Saudi Arabia, reaffirms Crown Prince. Retrieved 01 09, 2023, from Saudi Gazette: <https://saudigazette.com.sa/article/617728>
43. Seidman, S. (2004). *Contested knowledge: Social Theory in the Postmodern Era*. New Jersey: Blackwell.
44. Statista. (2024). Saudi Arabia - Statistics & Facts Statista: <https://culturalatlas.sbs.com.au/saudi-arabian-culture/saudi-arabian-culture-population-statistics>
45. Statista. (2024). Saudi Arabia: Youth unemployment rate from 2004 to 2023. Retrieved from Statista: <https://www.statista.com/statistics/812955/youth-unemployment-rate-in-saudi-arabia/>
46. Van Den Berg A. & Janoski, T. (2005). *Conflict theories in political sociology*. London: Cambridge University Press.
47. Weber, M. (1968) *Economy and Society*. Cambridge: Harvard University Press.
48. Weston, F. W. (1987). POLITICAL LEGITIMACY AND NATIONAL IDENTITY IN SAUDI ARABIA: COMPETING ALLEGIANCES. *THE FLETCHER FORUM*, 11(1), 81-104.
49. Williamson, J. (1975). *A POLITICAL HISTORY OF THE SHAMMAR JARBA*. PhD thesis. Indiana: Indiana University.
50. World Bank. (2024). Gini index - Saudi Arabia. Retrieved from World Bank: <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?locations=SA&year=2023>